

## مُرده ریگ فرهنگی

### ماجرای سرقت از کتابخانه سلطنتی

#### بر اساس برخی از اسناد موجود در کتابخانه کاخ گلستان

از خراج ار جمع آری زر چو ریگ آخر آن از تو بماند مُرده ریگ

سال‌ها پیش در مقاله‌ای با عنوان «تاراج یا امانت» کتابخانه‌های ایران را به اعتبار بانیان و متولیان آنها به چهار دسته تقسیم کردم:

۱. کتابخانه‌های پادشاهان و سلاطین؛

۲. کتابخانه‌های شاهزادگان و وزرا و رجال؛

۳. کتابخانه‌های علما و دانشمندان به ویژه فقها؛

۴. کتابخانه‌های مدارس، مساجد، بقاع متبرکه و مزارات.

در آن نوشته، سرگذشت کتابخانه‌ای از دسته چهارم رقم زده شد که چگونه «ذخایر کتابخانه شیخ صفی»الدین اردبیلی که در زمان حیات شیخ و با اهدای کتاب از طرف مریدان او تأسیس شده بود، به باد غارت رفت و جز نامی از آن باقی نماند و آن مجموعه ارزنده در یک جنگ ویرانگر همچون شهرهای مناطق شمال غربی ایران نصیب دولت روسیه تزاری شد.

حال پس از گذشت قریب به یک دهه از سرنوشت کتابخانه دیگری از کتابخانه‌های پادشاهان و سلاطین پرده برمی‌داریم، یعنی کتابخانه سلطنتی کاخ گلستان که به اعتبار واقع شدن در مجموعه کاخ گلستان بدین نام شهرت یافته و در حقیقت میراثی است از سلاطین سلف که پس از روی کار آمدن آقا محمدخان قاجار و انتخاب تهران به پایتختی، کتاب‌هایش از خراسان و فارس به تهران انتقال یافت و هسته مرکزی کتابخانه گلستان پی‌ریزی شد. این میراث در اندرون مجموعه ارک سلطنتی از آقا محمدخان به فتحعلی شاه و از او به فرزندش محمدشاه و در نهایت به ناصرالدین شاه قاجار همچون تاج و تخت سلطنت به میراث رسید.

کتاب‌های کتابخانه مذکور در آغاز در قسمت‌های مختلف اندورن بود و به همت ناصرالدین شاه، پس از آنکه عمارت و تالاری ویژه برای موزه و کتابخانه بنا نهاده شد، از قسمت‌های مختلف ارک سلطنتی جمع‌آوری و در ساختمان جدید البنیان موزه و کتابخانه استقرار یافت. و یا به قولی:

نظر به اینکه کتب خطی و قطعات خطوط اساتید در دربار سلطنتی زیاد شده بود، به این جهت در سال ۱۲۷۰ ق به امر ناصرالدین شاه قاجار کتابخانه مخصوصی برای ضبط کتب و غیره ساخته شد و در آنجا کتب خطی، قطعات و مرقعات بسیار نفیس که تا آن زمان جمع‌آوری شده بود مضبوط گردید.<sup>۲</sup>

افزون بر نسخه‌های خطی به میراث رسیده به ناصرالدین شاه، وی نسخه‌های خطی دیگری نیز خود بر آن افزوده بود که بعضاً رجال و شاهزادگان و امرا و درباریان در مراسم مختلف به رسم پیشکش و هدیه تقدیم درگاه ملوکانه کرده بودند و یا در حسابرسی وزرا و حکام، به هنگام عزل، بابت کسر حساب، نسخه‌های نفیس را به جای بخشی از پول قبول کرده بود، چنانچه عبدالله مستوفی در تسویه حساب، میرزا محمود وزیر که سال‌ها وزارت تهران داشت، و کوچه‌ای امروزه به نام او یعنی «کوچه میرزا محمود وزیر» در خیابان برق قدیم به یادگار است، می‌نویسد:

باری کار میرزا محمود مشکل بود زیرا با ناصرالدین شاه که از بقایای حکام حتی عموهای خود هم نمی‌گذشت چه می‌توانست بکند؟ میرزا محمود به پدر متوسل شد، پدرم در جعفر آباد ساوه، چند تا قنات خرابه پیدا کرده آنها را یکی دویست سیصد تومان خریده و آباد کرده و یا به قول معروف زمان خاک بازی کرده، چند پارچه

<sup>۱</sup> جمشید کیان فر، «تاراج یا امانت»، نشر دانش، سال سیزدهم (مهر و آبان ۱۳۷۲)، ش ۶: ۲۴ - ۲۸.

<sup>۲</sup> مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران (تهران: زوار، ۱۳۵۷)، ۲: ۳۸۵.



ملکی برای کمک زندگانی خود تدارک دیده بود که انجیل‌آوند بهترین آنها به شمار می‌آید. این ملک را فروخت و گوشه‌های کار خود را جمع کرد و مبلغی هم از این سر و آن سر به دست آورد، میرزا محمود هم احمدآباد ساوه را فروخت و بیست و پنج هزار تومان نقد تدارک دیدند، با مقداری قطعات و مرقع‌های خطوط میرعماد و قرآن و کتاب‌های خطی و تذهیب کاری و قلمدان که میرزا محمود از راه عشق به این صنعت‌های ظریف، در این سنوات تهیه کرده و درخور خزانه‌شاهی بود، به حضور شاه فرستاد. شاه این نقد و جنس را برخلاف انتظار همه کس، در مقابل باقی پذیرفت و امر داد مفاصا به میرزا محمود بدهند.<sup>۳</sup>

میرزا محمود برای تسویه حساب هفت سال وزارتش صد هزار تومان کم داشت و چنانکه مستوفی نوشته است: با پرداخت «بیست و پنج هزار تومان نقد» و مقادیر معتابهی نسخه‌های خطی نفیس یعنی به ارزش هفتاد و پنج هزار تومان جنس مفاصا گرفت. و ناصرالدین شاه نیز آن مجموعه نفیس و ارزنده را به مجموعه کتابخانه سلطنتی اضافه کرد.

ناصرالدین شاه پیوسته مراقب این گنجینه عظیم فرهنگی بود و برای آنکه مبدا مستوفیان و کتابداران به دیده نامحرمی بدان مجموعه بنگرند وقت و بی‌وقت یکی از آن نسخه‌های نفیس را می‌خواست، چنانکه بصیرالملک شیبانی که خود زمانی مستوفی و کتابدار آن مجموعه بود در خاطراتش ذیل وقایع سنه ۱۳۰۶ ق می‌نویسد: روز سه‌شنبه ششم [شهر جمادی الثانیه] - امروز خواستم بروم دفتر. توی کوچه فراش آمد [گفت] شاه خواسته است. یک قران به او انعام دادم. رفتم خدمت شاه، اول قدری کاشی حرف زدند. میرزا علی [اعتماد حضور بعد] پسر میرزا علی اکبر هم بود. بعد فرمودند: روزنامه‌ای که دادم از روی خط خودم میرزا محمد حسین طهرانی نوشته بود، خوش قطع، خوش خط در میان محفظه آن را باید پیدا کنید، این فقره حالا باشد، حالا بروید چند جلد مرقع خطوط خوب بیاورید تماشا کنیم. یک جلد هم «تاریخ و صئاف» بیاورید. رفتیم بیرون، میرزا علی رفت به عرض امین‌الملک برساند، بعد آمد کلید را از آقا دایی گرفت. رفتیم دم موزه، آقا محمد هم آمد، رفتیم کتابخانه بیست و یک جلد کتاب بیرون آوردیم توی سرایدارخانه ثبت کردیم. شاه از اطاق آبدارخانه آمدند اطاق نارنجستان. من رفتم ادراز کنم، میرزا علی کتاب‌ها را برده بود توی اطاق کوچک.<sup>۴</sup>

و باز در ذیل وقایع همان روز می‌نویسد:

همان فراش خلوت دوید که شاه خواسته است. رفتم شاه‌درب اطاق ایستاده بودند، فرمودند: مرقع هندی را چرانیاوردی؟ عرض کردم در کتابخانه نیست. فرمود: گم شو مردکه، مرقع نیست یعنی چه؟ دوباره بروید بگردید. این دفعه آقا دایی را همراه کردند. ثانیاً رفتیم گشتیم پیدا نشد. مرقعی دیگر که تصویرات هندی دارد به توسط آقا محمد فرستادم، گفتم عرض کنید این مرقع تصویرات هند هست ولی آن مرقع نیست در کتابخانه، برگشت خبر آورد که شاه فرمودند: امشب میرزا علی [اعتماد حضور بعد] ثبت خودش را نگاه کند اگر کتاب اندرون است ثبت آن را و رسید آن را بیاورد، والا فردا با میرزا علی اکبر بیاید، میرزاها همه هم بیاید.<sup>۵</sup>

بصیر الملک در ادامه شرح واقعه مرقع هندی ذیل روز پنج‌شنبه [شهر جمادی الثانی] می‌نویسد:

آمدیم کتابخانه بیرون خیلی گشتیم پیدا نشد. شاه تشریف آوردند. از صفات مرقع فرمودند: صد و بیست ورق است، من عرض کردم صد و یک ورق است و دویست و دو صفحه، فلان صفت فلان صفت دارد. شاه خوب گوش دادند. بعد عرض کردم این مرقع گم شدنی نیست پیدا می‌شود. فرمودند: بگردید. بعد امین‌السلطان آمد همین طور گفت بگردید و رفت. خیلی گشتیم و پیدا نشد. گشتیم، ثانیاً عرض کردند که اندرون امین‌القدس است، دوباره خواجه فرستادند، میرزا علی و آقا محمد رفتند اندرون، طول کشید، برگشتند، پیدا نشد، این دفعه باز در کتابخانه گشتند، در گوشه قفسه آئینه پیدا شد. بردند حضور مبارک، جمعی بودند.<sup>۶</sup>

<sup>۳</sup> عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، تاریخ اجتماعی و اداری دوره فاجار (تهران: زوار، ۱۳۶۰)، ۱: ۱۹۳-۱۹۴.

<sup>۴</sup> بصیرالملک شیبانی، روزنامه خاطرات، به‌کوشش ایرج افشار، محمدرسول دریاگشت (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۷۴)، صص ۴۷۵-۴۷۶.

<sup>۵</sup> همانجا. <sup>۶</sup> همان، ص ۴۷۷.



و این چنین ناصرالدین شاه، چهار چشمی مراقب و مواظب گنجینه کتابخانه سلطنتی بود و هر کتابی به هر عنوان که از مجموعه خارج می شد می بایست ثبت دفتر استیفا شود و رسید اخذ گردد. امروزه برخی از نسخه های موجود در کتابخانه کاخ گلستان از اشتها و افری برخوردارند، مانند نسخه خطی نفیس: شاهنامه بایسنقری (کتابت: ۸۳۱ ق) خاوران نامه ۷ و مرقع گلشن و غیره که در سطح جهانی شناخته شده هستند.

ناصرالدین شاه در سن ۶۶ سالگی و پس از قریب به پنجاه سال سلطنت در روز جمعه ۱۷ ذی قعدة ۱۳۱۳ ق در حضرت عبدالعظیم به ضرب گلوله تپانچه میرزا رضای کرمانی مقتول شد و آنچه از کتب نفیس و جواهرات جمع آوری کرده بود همچون تخت سلطنت برای فرزندش مظفرالدین میرزا باقی گذاشت.

پس از آنکه ناصرالدین شاه «پا از دایره هستی بیرون نهاد» مظفرالدین میرزای ولیعهد که در تبریز بسر می برد روانه تهران شد و در دارالخلافة ناصری تاج گذاری کرد. در سفر شاه جدید از تبریز به تهران گروهی از رجال که سال ها در نزد مظفرالدین میرزا به سر برده و در آرزوی سلطنت ولیعهد بودند با او عازم تهران شدند و پس از تاج گذاری شاه، مناصب دولتی را میان خود تقسیم کردند و هر یک صاحب منصبی شده و از این میان کتابخانه سلطنتی نصیب میرزا علی خان لسان الدوله گردید. به نوشته مهدی بامداد:

میرزا علی لسان الدوله که در زمان ولیعهدی مظفرالدین شاه در تبریز سمتش پیشخدمتی و کتابداری دستگاه وی بود، پس از اینکه مظفرالدین شاه در آخر سال ۱۳۱۳ ق (۲۵ ذیحجه) برای جلوس بر تخت سلطنت با یک عده انبوه گرسنه و بی بند و بار از همراهان وارد تهران شد، میرزا علی خان نیز جزو آنان بود، در این هنگام به هر یک از همراهان کاری و شغلی ارجاع شد، کتابخانه سلطنتی هم نصیب و سهم میرزا علی خان گردید و عنوانش «کتابدار باشی» و بعد به لقب «لسان الدوله» نیز ملقب شد.<sup>۸</sup>

مظفرالدین شاه در آغاز سلطنت توجه خاصی به امر کتابخانه داشت و از این رو عبدالحسین خان سپهر می نویسد: اعلیحضرت همایونی به جهت کمال میل که به علم و دانش دارد، از آن وقت که به تهران تشریف آورد، در ترقی کتابخانه سلطنتی سعی کرد. اگرچه کتابخانه سلطنتی از سابق بود، لکن شاه از هنگام جلوس هر روزه کتاب بر آن افزود و چون فضلالی مملکت میل او را به کتاب دیدند، کتاب های تاریخی و علمی به نام مبارکش نوشتند و تقدیم داشتند، از جمله خود نویسنده این کتاب مستطاب قریب پانزده شانزده کتاب به نام همایونش به اختتام رسانیدم.<sup>۹</sup>

همو در باره اهمیت کتابخانه می نویسد:

کتابخانه سلطنتی با کتابخانه های فرنگ برابری دارد، سه کتابخانه دارد: یکی در اطاق موزه، یکی در عمارت مخصوص، یکی در حرم سرا.<sup>۱۰</sup>

و همچنین در باره لسان الدوله، کتابدار جدید، می نویسد:

کتابخانه مبارکه به دست لسان الدوله کتابدار است که در تبریز این شغل را داشت، مردی دانشمند و در زبان فرانسه بهره کامل دارد.<sup>۱۱</sup>

و عبدالله مستوفی نیز در باره کتابخانه و میرزا علی خان لسان الدوله می نویسد:

در کتابخانه سلطنتی که آن هم تحویل کتابدار شاهی و جزو صندوق خانه بود، مقدار زیادی کتاب و قرآن خطی که اکثر کتاب ها تصویرهای نقاشی چینی هم دارد و هم چنین قلمدان ها و جعبه ها و قاب آینه های گران بهای قاشی بوده است که بعد از وضع دستبرد که به وسیله یکی از کتابدارها (لسان الدوله کتابدار مظفرالدین شاه) به آن وارد آمده باقی آن تا حال هم محفوظ و در کاخ سلطنتی و تحویل آقای اسمعیل مرآت است.<sup>۱۲</sup>

<sup>۷</sup> بامداد، ۲: ۳۸۵.

<sup>۸</sup> خاوران نامه، در پایان سال ۱۳۸۱ به همت سازمان میراث فرهنگی و با همکاری سازمان چاپ نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به صورت افست لوحی چاپ و نشر یافت.

<sup>۹</sup> عبدالحسین خان سپهر، مرآة الوقایع مظفری، با تصحیحات و توضیحات دکتر عبدالحسین نوایی (تهران: زرین، ۱۳۶۸)، صص ۶۲-۶۳.

<sup>۱۰</sup> همان، ص ۶۳.

<sup>۱۱</sup> همانجا.

<sup>۱۲</sup> مستوفی، ۱: ۳۹۳.



به این عبارت مستوفی «بعد از وضع دستبردی که به وسیله یکی از کتابدارها (لسان الدوله کتابدار مظفرالدین شاه) به آن وارد آمده» توجه کنید تا معلوم شود که عمق فاجعه چیست. میرزا علی خان [لسان الدوله] پس از آنکه کتابدار باشی شد و بعدها ملقب به لسان الدوله، به قول بامداد:

مانند سایر درباریان مظفرالدین شاه موقع را برای خویشتن غنیمت شمرده و در مدت تصدی خویش بسیاری از کتاب‌های خطی مصور بی نظیر را از کتابخانه سلطنتی بدزدید و چون راه به فرنگ داشت آنها را به اروپا برد و بفروخت و مدت‌ها کسی از اعمال سوء او خبری نداشت، تا اینکه بعضی از اشخاص موضوع را به میرزا علی اصغرخان امین السلطان صدراعظم وقت معروف به اتابک اعظم اطلاع دادند. اتابک چند نفر مأمور به خانه‌اش فرستاد تا کتبی که از کتابخانه سلطنتی برده و در خانه پنهان کرده، آنها را دوباره به کتابخانه سلطنتی باز بگردانند. لسان الدوله پس از اطلاع از این قضیه خیلی نگران و سراسیمه شده برای اینکه آثار را از چشم بازرسان و مأمورین پنهان کند تمام آنها را در حوض آب خانه خود ریخت. مأمورین شروع به تجسس نمودند، در ضمن تجسس آنها را در حوض آب یافته و هنگامی که از توی آب بیرون آوردند، تمام آن کتب نفیسه و خطوط عالییه و نقاشی‌های کار چین و استادان، برگ هیچ یک قابل استفاده نبوده و از میان رفته بود.<sup>۱۳</sup>

سه نکته بسیار مهم در نوشته مرحوم بامداد یافت می‌شود:

نخست: سرقت کتاب‌ها به دست لسان الدوله؛

دوم: آگاهی میرزا علی اصغرخان اتابک و فرستادن مأمور به منزل لسان الدوله برای استرداد کتاب‌ها؛

سوم: ریختن کتاب‌ها در حوض آب و یافتن مأموران تجسس و نابودی کتاب‌ها.

در نکته اول، جای هیچ حرف و سخنی باقی نیست، چرا که اکثر نویسندگان آن عصر در روزنامه و خاطراتشان بر این مسأله صحه گذاشته‌اند و اسنادی که بعد از این می‌آید نیز گواه بر آن است.

در مورد نکته دوم، باید گفت که میرزا علی اصغرخان آخرین بار در ۲۰ ربیع الاول ۱۳۲۵ ق کابینه خود را به مجلس معرفی کرد و در روز یکشنبه ۲۱ رجب بعد از چهار ماه صدارت به مجلس آمد و هنگام خروج از مجلس که دو ساعت از شب گذشته بود در بیرون مجلس جوانی باششولی که در دستش بود سه تیر پیاپی به طرف او انداخت که هر سه تیر کارگر آمد و طومار زندگی اتابک را درهم پیچید، در حالی که متن استنطاق از میرزا علی اکبر به تاریخ ۷ ذی قعدة ۱۳۲۷ ق است و بعید می‌نماید که (حد فاصل ۲۰ ربیع الثانی تا ۲۸ رجب ۱۳۲۵) لسان الدوله و همدستانش در زندان بوده باشند و حال پس از دو سال و چند ماه بازجویی از متهمان شروع شده باشد، پس می‌بایست تاریخ دستگیری لسان الدوله و همدستانش در همان سال ۱۳۲۷ ق بوده باشد.

نکته سوم، در مورد نابودی تمامی نسخه‌ها در حوض آب خانه لسان الدوله است و تصور نمی‌کنم با حجم کتابی که از لسان الدوله و همدستانش به دست آمده است: کتب مذهبی ۷۷۸ نسخه، کتب ادبی ۸۶۷ نسخه، یعنی در مجموع ۱۶۴۵ جلد نسخه خطی به کتابخانه سلطنتی مسترد شده است و امروز آن نسخه‌ها با برچسب «کتابخانه دولت علیّه ایران» مسترد شده از «میرزا سید رضاخان و لسان الدوله تحویل جنابان آقا شیخ اسمعیل و اعتصام الملک داماد شیخ اسمعیل شده است».

ناگفته نماند که همان مطلبی را که مرحوم مهدی بامداد نوشته، دکتر مظفر بختیار با اندک تفاوت به نقل از شخصی موثق و مطلع چنین آورده است:

در زمان مظفرالدین شاه بسیاری از نسخه‌های نفیس و خریدارگیر کتابخانه سلطنتی را لسان الدوله معروف به «علی چپور» از کتابخانه می‌ربود و با محو کردن نشان و مهر و آثار تملک با همدستی دلالت و واسطه‌های حرفه‌ای قاچاق آثار عتیقه و کتاب، از قبیل آرشاک کریانس از ایرانیان تابع عثمانی که بسیاری از آثار نفیس هنر ایران به دست او به تاراج رفته، در داخل و خارج به فروش می‌رسانید. این علی چپور از ملازمان دوران ولیعهدی شاه بود که به هیچ صلاحیت و لیاقتی کتابخانه سلطنتی به او سپرده شده بود. هنگامی که به دستور اتابک گرداگرد



خانه لسان را فرو گرفتند تا کتاب‌های نهان کرده و باقی مانده را بازستانند، وی به خیال اختفا تعداد زیادی از نسخه‌های نفیس و شاخص را به درون حوض آب فرو ریخت، حوض انباشته شد و یکی از بزرگ‌ترین ضایعه‌های فرهنگی و هنری به دست این کتابدار کتاب‌ریز خیانتکار به وقوع پیوست. من [مظفر بختیار] این ماجرای تأسف بار تأسف‌انگیز را سال‌ها پیش از یکی از اشخاص موثق و مطلع که به اقتضای کار خود در محل حضور داشته، و سالهاست رخت از جهان بر بسته شنیده‌ام و صورت بازجویی و استنطاقنامه مفصل لسان را توسط رئیس نظمی با گزارش مأموران از خانه‌کاوی او دیده و خوانده‌ام.<sup>۱۴</sup>

نکته دیگری که در اینجا باید بدان اشاره کرد این است که عین السلطنه قهرمان میرزا سالور، درباره جانشین لسان الدوله و انتصاب او ذیل وقایع پنج‌شنبه سلخ شعبان سال ۱۳۲۷ق می‌نویسد:

آقای نایب السلطنه [علیرضاخان عضدالدوله قاجار] هم حکمی مرقوم داشته بودند که شیخ اسمعیل دزفولی معلم آقا زاده‌گان خود را کتابدار قرار داده بودند. قرار بر این شد حاجی سید نصرالله خدمت اشرف رسیده اهمیت کتابداری و کتابخانه را توضیحات بدهند و رأی حضرت اشرف را از اجرای حکم مزبور منصرف فرمایند. بعد هرگز خواست حکم کند، آنهم به این شکل.<sup>۱۵</sup>

همچنان که از نوشته عین السلطنه برمی‌آید، جانشین لسان الدوله در سال ۱۳۲۷ق منصوب شده، پس می‌بایستی واقعه لو رفتن لسان الدوله و گرفتاری او و همدستانش نیز در همین سال بوده باشد. همو در آخرین یادداشت‌های خود [ذیل چهارشنبه هشتم شعبان] می‌نویسد:

لسان الدوله پدر سوخته را هم برای کتاب‌های دولتی حبس کرده‌اند، در ایام مظفرالدین شاه خیلی از کتاب‌ها را فروخته و خیلی‌ها را عوض کرده، آنچه هم جلد‌های مروارید و نقاشی بوده با صورت‌های چینی همه را فروخته است.<sup>۱۶</sup> و آنگاه درباره شخصیت او می‌نویسد:

یک کتابدار بود مثل امیری، وزیری، تجملات داشت، از بس هم بد صورت بود، هر وقت [نزد] شاه می‌آمد، می‌گفت: برو صد تومان بگیر و تا یک هفته نزد من نیا.<sup>۱۷</sup>

و آخرین خبری که از لسان الدوله در منابع متون آمده و قابل دسترس است نوشته عین السلطنه ذیل وقایع پنجشنبه سلخ شعبان ۱۳۲۷ق است: «لسان الدوله خوب کتاب‌ها را خورده بود، حالا حبس بود، ندانستم چه شد».<sup>۱۸</sup> و ایضاً بر اساس کپی سندی که در اختیار نگارنده است و به طور قطع و یقین مربوط به ایام ۲۵ شهر صفر تا ۱۷ ربیع الثانی ۱۳۲۸ق است هنوز در زندان به سر می‌برده است:

در موقع چاپ کردن فردوسی، بنده به امیر بهادر دو فردوسی داده‌ام، یکی قطع بزرگ اعلی صورتی، یکی کوچک خطی، و هر دو را پس گرفته‌ام، گویا صورت قبضی که از امیر بهادر گرفته‌ام یا ثبتي که خودم برداشته‌ام در لف نوشته‌جات بنده باید باشد که ان شاء الله بعد از استخلاص و در موقع بازدید کتابخانه به نظر مبارک می‌رسانم.

ایام عزت مستدام.

حسین پاشا

سواد مطابق اصل است.

و یا سند دیگری مربوط به همان ایام و موضوع:

به شرف عرض هیأت محترمه می‌رساند: در موقعی که امیر بهادر فردوسی چاپ می‌کرده، از کتابخانه، فردوسی خطی امانت گرفته، درست در نظر ندارم که قبض او را رد کرده‌ام یا عین کتاب را گرفته‌ام، تا فردا محل و تفصیل آن را کاملاً به عرض می‌رسانم، یعنی محتاج است اسناد کتابخانه را بیاورند تا از روی حقیقت عرض نمایم.

ایام عزت مستدام باد.

حسین پاشا

سواد مطابق اصل است.

کپی سواد کاغذ لسان الدوله باشد.

<sup>۱۴</sup> مرقع بی‌نامه جامی، به خط میرعلی هروی، با مقدمه و تصحیح دکتر مظفر بختیار (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۰)، ص ۱۰.

<sup>۱۵</sup> روزنامه خاطرات عین السلطنه: روزگار نیابت سلطنت عضدالملک قاجار، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار (تهران: اساطیر، ۱۳۷۷)، ۴: ۲۸۱۱.

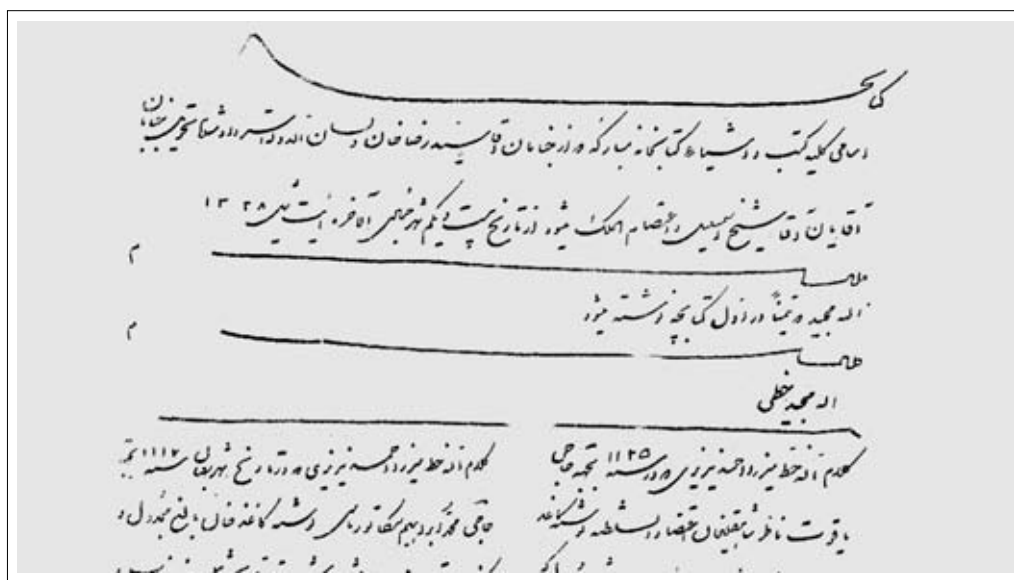
<sup>۱۶</sup> همان، ۴: ۲۷۶۵. <sup>۱۷</sup> همانجا. <sup>۱۸</sup> روزنامه خاطرات عین السلطنه، ۴: ۲۸۱۱.

این هر دو سند به رؤیت امیر حسین پاشاخان امیر بهادر رسیده و مورد تأیید او نیز قرار گرفته است و آن داستان و ماجرای شاهنامه امیر بهادری را من در جای دیگر به چاپ رسانده‌ام.<sup>۱۹</sup> حال اجازه بدهید با نگاهی به نوشته بدری آتابای سرنوشت کتابخانه را پی گیرم و پس از آن برگی از صورت استنطاق لسان‌الدوله و همکاران او را بازخوانی کنیم و سپس با نمونه‌هایی از کتاب‌های مسروقه عودت داده شده به کتابخانه و هم‌چنین فهرستی از کتاب‌های نایافته مسروقه این داستان دردناک و تأسفانگیز مرده ریگ فرهنگی را به پایان بریم. آتابای در مقدمه فهرست نسخ خطی کتابخانه سلطنتی می‌نویسد:

پس از ناصرالدین شاه قاجار دیگر چندان توجهی به بسط کارهای هنری و ادبی مبذول نگشت و کتابخانه سلطنتی به تدریج از فعالیت‌های چشمگیر محروم و به مرور ایام امور کتابخانه مختل گردید و کتاب‌ها متفرق و اکثر به بلاد دور دست افتاد و چنان دستخوش غارت و مورد تعدی متعدیان بی‌ذوق و سودطلبان حریص غیر متعهد قرار گرفت که بی‌پروا و آزادانه به این گنجینه هنری و علمی و ادبی دستبردهای بی‌رحمانه زده و غارت به تمام معنای واقعی دامنگیر این گنجینه محتشم و فخیم که شخص ناصرالدین شاه به وجود آن افتخار می‌نمود گردید، که خوشبختانه در اواخر کار، نظمیه وقت متوجه گشته و تعداد معدودی از کتب مسروقه دوباره به کتابخانه عودت یافت و با سجع مهوری به این عنوان «کتب اکتشافی و مسروقه از منزل لسان‌الدوله» مشخص گردیده است. حیف و صد حیف در این دوران پر آشوب آنچه را که نمی‌توانستند از کتابخانه سلطنتی خارج نموده و به فروش برسانند، صفحات آن را با مقرض بریده‌اند و یا مینیاتورها و نقاشی‌های حواشی مذهب و مرصع را چیده و از متن جدا نموده و به بیغما برده‌اند.

هنگامی که وزارت معارف وقت برحسب امر پادشاه ... رضا شاه کتابخانه ملی را تأسیس کرد، مسئولین امر به جای آنکه خود برای کتابخانه ملی کتاب فراهم کنند، کتاب‌های کتابخانه سلطنتی را بردند و بسیاری از دوره‌های کتب کتابخانه را ناقص کردند. در سال‌های ۱۳۱۳ - ۱۳۱۷ شمسی تعداد چهارده هزار جلد کتاب خطی و چاپی را از کتابخانه سلطنتی به کتابخانه معارف (ملی) منتقل کردند که در اوراق صورت مجالس این مهم نام محمدقانع بصیری رئیس بیوتات سلطنتی و بیانی مدیرکل کتابخانه ملی ثبت شده که از تاریخ هشتم اردیبهشت ۱۳۱۵ شروع به تحویل گرفتن نموده در تاریخ هفتم تیرماه ۱۳۱۷ کتب مذکور به کتابخانه ملی منتقل گردید.<sup>۲۰</sup>

جمشید کیان‌فر



<sup>۱۹</sup> جمشید کیان‌فر، «شاهنامه امیر بهادری یا شاهنامه مظفری»، فصلنامه کتاب، دوره هشتم (بهار و تابستان ۱۳۷۶)، ش ۱-۲: ۲۹-۴۸.

<sup>۲۰</sup> بدری آتابای، فهرست دیوان‌های خطی کتابخانه سلطنتی و کتاب هزار و یک‌شب (تهران، ۱۳۵۵)، صص ۸-۱۰.

### [یک برگ از صورت استنطاق]

[...] ممهوراً به بنده دادند که در این اواخر یعنی در ماه شعبان بنده آورده تحویل دادم (علی).  
 س: زمانی که کتاب‌ها را به شما تحویل دادند غیر از اعتماد حضور دیگر کسی حاضر بود یا خیر؟  
 ج: اغلب روزها هم خود بنده و هم اعتماد حضور حاضر می‌شدیم و هم میرزای ایشان حاضر بودند (علی).  
 س (از حسین آقا): چه می‌خواهید اظهار بدارید؟

ج: بنده روزها که می‌رفتم کتابخانه، همراه اعتماد حضور، خودم می‌دیدم به چشم خود که پسر لسان الدوله کتاب می‌برد به منزل خودش، و یک شبی هم همراه آقای اعتماد حضور رفتیم به منزل لسان الدوله، اینها رفته توی باغ، بنده دیدم پسرهای آقا بغل بغل کتاب می‌برند توی باغ، جمع کردند این کتاب‌ها را، بنده دیدم تقریباً قریب به صد جلد و بنده را گفتند رد شو، بنده آمدم تاریکی نشستم، دیدم تمام کتاب‌ها را از اول تا به آخر نشان اعتماد حضور داده تا ساعت چهار از شب رفته اینها نشستند. یک مرقعی بود، تقسیم کردند، نصف را خودشان برداشته، نصف به اعتماد حضور دادند ولیکن نصفه را از اعتماد حضور قبض گرفتند و خیلی سفارش کردند که اینها را نفروشید، هر وقت خواستید بفروشید به خود بنده اطلاع بدهید، من به خارجه دست دارم می‌فروشم. اعتماد حضور آن را شب برداشت آمد به منزل نشان به میرزا یوسف جع (کذا) داد و گفت اینها را لسان الدوله به من شب داد. میرزا یوسف گفت: من اینها را می‌برم از برای شما، نمی‌دانم سیصد تومان یا چهارصد تومان می‌فروشم. بعد اعتماد حضور از آنجایی که دست پایش یک قدری تنگ بود، فرستاد بنده با ناظرش رفتم، اسحق یهودی را آوردیم، فروخته به او به چهارصد تومان، ولیکن روز پیش، لسان الدوله اسحق را دیده بودند که من یک همچو چیزی به اعتماد حضور دادم، شما بروید بخرید بیاورید نزد من، ولیکن یک قبضی هم از او بگیرد که او را به شما فروخته (حسین).

س (از اعتماد حضور): مطالبی را که حسین آقا اظهار داشته صحیح است یا خیر؟

ج (اعتماد حضور): صحیح است و تماماً بیان واقع است.

بیان لسان الدوله: از هیأت محترم متمنی است اجازه دهند با اطلاع مجلس شورای ملی و عدلیه اعظم که دو سه نفر هیأت منصفه تشکیل بشود، مدعی العموم هم حضور داشته باشند و از وکلای محترم هم یک دو نفر باشند تا این کار تمام شود (علی).

\* \* \*

### استنطاق از جناب میرزا علی اکبر به تاریخ ۷ شهر ذی قعدة ۱۳۲۷ ق

س: آنچه را حضرت عالی از بابت کتب کتابخانه دولتی که متعلق است به جناب لسان الدوله و دیگران می‌دانید، از راه خداشناسی و وطن پروری و ملت خواهی بیان فرمایید که در نزد خالق و خلق و وجدان خودتان مقصر و مسؤول نباشید.

ج: لسان الدوله به بنده هیچ وقت هیچ چیز نفروخته است، لیکن بنده از گوشه و کنار می‌شنیدم که آقای لسان الدوله کتاب می‌فروشد، و چند مرتبه هم به خود ایشان اظهار نموده و پیغام کردم که اگر از این کتاب‌ها هم به بنده بفروشید، اگر هم نفروشید لابد من به دولت و دیگران اظهار خواهم نمود. فرستادند در پی بنده و من رفتم توی حوض خانه و نارنجستان. به من حکم که کردند که چرا این پیغامات را به من می‌دهید. یک روز هم از محله یهودی‌ها فرستادند عقب بنده، رفتم منزل یکی از یهودی‌ها، یک ضعیفه مسلمانی آنجا کتاب‌ها آورده بود که بفروشد، بنده صحبت کردم، کتاب را خریدم، بعد به آن ضعیفه هر چه اصرار کردم که منزل شما کجاست به من نگفت. آن دلال یهود هم هر چه اصرار کردم که منزل ضعیفه کجاست، به من نگفت. بعد آمدم. (صفحه ۶۴)



اسناد ۱-۴. مربوط به کتاب‌هایی است که به کتابخانه کاخ گلستان مسترد شده و در حال حاضر، چنانچه جزو مجموعه‌ای نباشد که از کتابخانه کاخ به کتابخانه ملی منتقل شده است، می‌بایست در کتابخانه موجود باشد.

اسناد ۵-۷. از صفحات ۲، ۸ و ۳۷ سیاهه کتاب‌هایی است که به کتابخانه برنگشته و به‌نحوی از انحاء نابود شده و احتمالاً فروخته شده و از ایران خارج گشته است، به استثنای یکی دو مورد مثل دیوان شاه نعمت‌الله ولی از صفحه ۸ نمره ۱۱۰، به شماره ثبت ۱۲۴۵۰، که با توجه به یادداشت آقای قانع بصیر در هامش سیاهه، بیانگر آن است که کتاب مذکور در بخش اسناد بوده و بعداً به کتابخانه عودت داده شده است.

#### سند ۱

کتابچه اسامی کلیه کتب و اشیاء کتابخانه مبارکه که از جنابان آقا سید رضاخان و لسان‌الدوله استرداد شده، تحویل آقایان آقا شیخ اسمعیل و اعتصام‌الملک می‌شود، از تاریخ بیست و یکم شهر جمادی‌الآخره ایت‌ئیل ۱۳۲۸: کلام‌الله مجید، که تیمناً در اول کتابچه نوشته می‌شود.  
کلام‌الله مجید، خطی.

کلام‌الله، خط میرزا احمد نیریزی که در سنه ۱۱۲۵ به جهت حاجی یاقوت ناظر شاه‌قلی خان اعتضادالسلطنه نوشته، کاغذ متن خان‌بالغ، حاشیه ترمه، متن دندان‌موشی، مُجَدُّول به‌کمند جنافی ساخته شده، یازده ورق ادعیه فاتحه و خاتمه، و سجاوندی دو ورق خط میرزا در اول دارد. جلد مقوای دو رو، عمل علی‌اشرف، متن و ترنج و بغل‌گل و بوته، حاشیه گل و برگ سبز، اندرون متن مذهب برگ موی، حاشیه گل و برگ، متن قرمز نمره ۱، جلد ۱. کلام‌الله، خط میرزا احمد نیریزی که در تاریخ شهر شعبان ۱۱۱۷ به جهت حاجی محمد ابراهیم قورباشی نوشته، کاغذ خان بالغ، مجدول و کمنددار، متن دندان‌موشی، حاشیه تمام ترنج تذهیبی، جزو و حزب و نصف‌الجزو ساخته شده، سرلوح‌دار، جلد مقوای نقاشی دو رو، بیرون متن گل و بوته، متن زیتونی حاشیه به سفید آب خط نستعلیق نوشته‌اند، اندرون مذهب برگ موی، بوم قرمز، حاشیه مینا، قطع رحلی، خیلی اعلی، نمره ۲، جلد ۱.

#### سند ۲

صورت اسامی کلیه کتب کتابخانه مبارکه استردادی از میرزا سید رضاخان و لسان‌الدوله. تحویل جنابان آقا شیخ اسمعیل و اعتصام‌الملک، شهر جمادی‌الآخره:

قرآن بیاض، خط نسخ بسیار خوب، رقم محمد صائب طالقانی، سنه ۱۱۳۴، [کاغذ] متن خان‌بالغ، حاشیه ترمه، مجدول کمنددار، قطع وزیری بیاض، جلد مقوای مذهب، ابتیاعی از ورثه مرحوم مؤیدالدوله، نمره ۱۵، جلد ۱. قرآن، خط نسخ، رقم محمد کاتب شیرازی، مجدول، سرلوح دار که اول آن دوازده ورق احادیث نوشته، اوایل اول خط شکسته نستعلیق است و اوایل آخر خط نسخ است سجاوندی شده، سرسوره و جزو و حزب و خمس و عشر با طلا نوشته، جلد مقوای منقش گل و بوته، متن قرمز، رقم آقا زمان، قطع وزیری، ابتیاعی از ورثه مرحوم طهماسب میرزای مؤیدالدوله، نمره ۱۶، جلد ۱.

کلام‌الله، خط محمد جعفر خوشنویس ولد آقا ابراهیم که به جهت نایب السلطنه در سنه ۱۲۲۴ نوشته، مترجم، مجدول کمند و سرلوح‌دار، کاغذ ترمه خوب، خواص سور و قدر تفسیر به خط شکسته نوشته، جلد مقوای مذهب اعلی، قطع نیم‌ورقی، نمره ۱۷، جلد ۱.

کلام‌الله، خط محمد حسین بن محمد الیزدی، در سنه ۱۲۷۲ به جهت میرزا کاظم خان نظام‌الملک نوشته، کاغذ ترمه متن و حاشیه مجدول کمند و سرلوح‌دار سجاوندی و سرسوره مرصع، قطع بغلی کوچک، جلد مقوای بیرون ترنج و حاشیه طلا متن سبز، اندرون مذهب، بوم قرمز، نمره ۱۸، جلد ۱.





### سند ۳

صورت اسامی کلیه کتب و اشیاء کتابخانه استردادی از میرزا سید رضاخان و لسان الدوله، تحویلی جنابان آقا شیخ اسمعیل و اعتصام الملک ایت‌نیل ۱۳۲۸، خطی:

تفسیر ملا صدرای شیرازی بر سوره یس و جمعه و طارق و حدیث مروی از صدوق، قطع ربعی، کاغذ فستقی، مجدول کمند قرمزدار، خط شکسته کاتب، جلد نقاشی گل سرخی، بوم زرد طلایی، اندرون جلد تریاکی گل نرگس دار، نمره ۷۷۳، جلد ۱.

مبانی البیان، جزو اول تا آخر سوره بقره، خط نسخ کاتب خوب، کاغذ شکری، مجدول به قرمز و آبی، سرلوح دار، قطع نیم‌ورقی کوچک، جلد مقوای مستعمل عمل هند، متن قرمز دور طلایی سوخت، تحریر، نمره ۷۷۴، جلد ۱.

اعراب القرآن، تصنیف ابوالبقاء العکبری، خط نسخ، رقم محمدهاشم، تاریخ تحریر سنه ۱۰۹۱، کاغذ فستقی، قطع ربعی، جلد مقوای تیماج، سیاه مستعمل، نمره ۷۷۵، جلد ۱.

تفسیر سوره حمد و تأویلات قرآن، تصنیف ملا عبدالرزاق، خط نسخ خوب قدیم، تاریخ تحریر سنه ۷۸۸، کاغذ دولت‌آبادی، مجدول، سرلوح دار است، صفحه اول ترنج و سرترنج، مجدول مذهب به لاجورد است، قطع وزیری، حجیم، جلد مقوای تیماج و سرترنج و نیم‌ترنج، روکش طلایی منگنه، نمره ۷۷۶، جلد ۱.

تفسیر جامع الجوامع، خط نستعلیق، محرر جعفر بن غازی، تاریخ تحریر ۱۰۹۳، کاغذ ترمه، مجدول سرلوح دار کمنددار، قطع نیم‌ورقی کوچک، جلد مقوای ساغری قرمز ترنج‌دار و نیم‌ترنج‌دار، زمینه لاجوردی سوخت، تحریر، نمره ۷۷۷، جلد ۱.

تفسیر محمد شاهی، جزوی از سوره بقره، خط نسخ، کاغذ ترمه، مجدول سرلوح دار، قطع وزیری، کم حجم، جلد مقوای تیماج قرمز، ترنج و نیم‌ترنج و لچکی، سوخت تحریر زمینه طلایی، اندرون تریاکی، نمره ۷۷۸، جلد ۱، مهر و امضای لسان الدوله

### سند ۴

صورت اسامی کلیه کتب و اشیاء کتابخانه استردادی از میرزا سید رضاخان و لسان الدوله، تحویلی جنابان اعتصام الملک و شیخ اسمعیل، ایت‌نیل ۱۳۲۸:

تاریخ نگارستان، محمد بن احمد.

تاریخ نگارستان، محمد بن احمد، خط نسخ کاتب قدیم خوب، مجدول، سرلوح دار، کاغذ دولت‌آبادی، متن رنگ کرده، قطع وزیری، جلد مقوای ساغری قرمز، نمره ۸۶۲، جلد ۱.

تاریخ نگارستان ایضاً، خط نستعلیق کاتب، آخر افتاده، کاغذ دولت‌آبادی، مجدول، سرلوح دار، قطع وزیری، جلد مقوای تیماج زرد، ترنج، منگنه لولادار، نمره ۸۶۳، جلد ۱.

تاریخ نگارستان ایضاً، خط نستعلیق، تاریخ تحریر سنه ۱۰۸۵، کاغذ اصفهانی، مجدول، سرلوح دار، ورق اول متن دندان موشی طلایی، حاشیه ابری قرمز، پشت صفحه اول یک مخمس نوشته است، جلد مقوای ساغری سیاه، اندرون تیماج قرمز، ترنج و نیم‌ترنج، سوخت تحریر، نمره ۸۶۴، جلد ۱.

تاریخ نگارستان ایضاً، [کاتب] میرزا صالح، تاریخ تحریر سنه ۱۰۲۶، کاغذ فرنگی الوان، مجدول کمنددار، تمام صفحات مذهب دندان موشی، قطع وزیری، جلد مقوای تیماج قرمز سجاف مشکی، نمره ۸۶۵، جلد ۱.

تاریخ نگارستان ایضاً، خط نستعلیق، کاغذ اصفهانی، قطع ربعی که در آخر خط ناصرالدین شاه و شاه اسمعیل ثانی صفوی دارد، جلد تیماج آبی فرنگی ساز، کار صحاف باشی، نمره ۸۶۶، جلد ۱.

تاریخ نگارستان ایضاً، خط نستعلیق کاغذ دولت‌آبادی، مجدول به قرمز و لاجورد، اول و آخر افتاده، قطع وزیری حجیم، جلد مقوای تیماج قرمز بغدادی، ترنج و بغل طلایی، منگنه، ایتباعتی از ورثه مرحوم مؤید الدوله، نمره ۸۶۷، جلد ۱.



### سند ۵

خمسه امیر خسرو دهلوی، خط میرعلی کاتب، کاغذ ترمه، دولت‌آبادی، مجدول، سرلوح‌دار، جلد مقوای معرق‌کار هند، بسیار اعلی، دور جلد خط نسخ نوشته شده، جلد دورو، پشت سوخت تحریر، نمره ۱۸، یک جلد. دیوان امیر خسرو دهلوی، خط نستعلیق خوب، رقم محمدحسین، کاغذ ترمه، متن زرافشان، قطع وزیری، مجدول سرلوح‌دار، سر حکایات تذهیب کرده، جلد تیماج سوخت تحریر، روکش طلا لولادار، نمره ۱۹، یک جلد. ایضادیوان، خط نستعلیق خوب، کاغذ ترمه، مجدول، کمند و سرلوح‌دار، قطع وزیری طویل، جلد مقوای صاغری [ساغری] سیاه، نمره ۲۰، یک جلد.

خمسه امیر خسرو، خط محمدشاه دارابی، کاغذ دولت‌آبادی، مجدول، جلد ساغری، لولادار، قطع وزیری بزرگ سرلوح‌دار، نمره ۲۱، یک جلد.

دیوان امیر خسرو، خط نستعلیق، کاغذ دولت‌آبادی، مجدول، سرلوح‌دار، جلد تیماج ترنج‌دار، قطع وزیری عریض، نمره ۲۲، یک جلد.

دیوان امیر خسرو دهلوی، خط نستعلیق خوب، کاغذ خانبالغ، حاشیه فرنگی، مجدول، کمند و سرلوح‌دار، قطع نیم‌ورقی، ابتیاعی از میرزا محمود مستوفی وزیر سابق دارالخلافه، جلد مقوای روغنی، بوم سبز، حاشیه‌دار، درون تیماج، روغن زده‌اند. نمره ۲۳ یک جلد.

شرح اشعار مشگله امیر خسرو دهلوی، خط شکسته نستعلیق کاتب، کاغذ فستقی، قطع جانمازی، جلد تیماج قرمز یک لایی، نمره ۲۴، یک جلد.

انجمن خاقان، خط کاتب بسیار خوب، کاغذ ترمه، مجدول تمام مذهب، سرلوح‌دار، جلد زرد روغنی، ترنج گل و بوته، بوم سبز، متن و حاشیه قطعه. نمره ۲۵، یک جلد. رقم احمد کاتب سرکار پادشاهی دارد.

انجمن خاقان، خط کاتب خوب، کاغذ فستقی، مجدول، جلد مقوای روغنی مذهب، بوم قرمز، قطع وزیری عریض، نمره ۲۶، یک جلد.

دیوان اهلی، خوش خط، مذهب مجدول حاشیه‌دار، نوشته اول و آخر تصویر دارد. جلد مقوای عمل هند، مذهب خط رقم هدایت‌الله، نمره ۲۷، یک جلد.

غزلیات اهلی، کاغذ متن و حاشیه، مجدول، مذهب، خط خوشنویس، جلد مقوای دو رو سوخت تحریر کار هند، نمره ۲۸، یک جلد.

دیوان اهلی، خط نستعلیق خوب یک طرف حاشیه، متن و حاشیه نوشته شده، مجدول، سر حکایات مذهب، سرلوح‌دار، کاغذ دولت‌آبادی، جلد مقوای صاغری [ساغری] سیاه، ترنج و نیم‌ترنج‌دار، نمره ۲۹، یک جلد می‌گویند خط سلطان محمد نور است بدون رقم ۹۶۱.

دیوان اهلی، خط نستعلیق که در آخر به مرکب و قرمز بعضی اوراق را نوشته، مجدول، سرغزل و قصاید مرصع سرلوح‌دار که در اول چهار صفحه مذهب دارد، قطع نیم‌ورقی، کاغذ دولت‌آبادی، جلد مقوای نقاشی مصور کار کثیر اعلی کهنه درو، لولادار یک رو نقاشی، روی دیگر سوخت تحریر به انضمام محفظه تیماج قرمز، نمره ۳۰ و ۱۰. [توضیح] جلد این کتاب از قرار دستخط مبارک که نزد لسان‌الدوله است جلد سالنامه فرنگستان شده و به فرنگ برده شده، بعد به همین اروپ هدیه شده است، جلد حالیه این کتاب که ساخته‌اند مذهب متن مشکلی است.

دیوان انوری، خط شکسته کاتب، کاغذ [...]. جلد مقوایی، تیماج سبز، قطع وزیری، نمره ۳۰، یک جلد.

دیوان انوری، خط نستعلیق، رقم عبدالرحیم هروی، کاغذ متن ختایی، حاشیه سفید، مجدول کمند، سرلوح‌دار، مصور، وزیری، جلد یک رو مقوایی، ترنج و حاشیه منقش، روی آستر سوخت تحریر و آخر آن دستخط نوشته، در آخر دیوان انوری نوشته که چهارصد و ده ورق است و سی و شش تصویر دارد - شمرده نشده، نمره ۳۱، یک جلد.

بعضی از قصاید انوری، خط کاتب، قطع نیم‌ورقی، مجدول، کمنددار، کاغذ فسنقی، سرلوح‌دار، جلد تیماج سیاه ترنج‌دار، نمره ۳۲، یک جلد.

## سند ۶

سنایی، خط نستعلیق، خوشنویس، کاغذ قطعه متن و حاشیه زرافشان، قطع وزیری، مجدول، کمنددار، سرلوح دار، دو صورت در آخر دارد، جلد مقوای سوخت تحریر روکش طلا، [۰۰۰] ورق، نمره ۱۰۲، یک جلد. حدیقه حکیم سنایی، خط شاه محمود نیشابوری، کاغذ قطعه، متن و حاشیه، متن سفید حاشیه الوان، مذهب، مصور، مجدول، سرلوح دار، قطع وزیری، جلد ساغری سیاه دو لایی، حاشیه قرمز، نمره ۱۰۳، یک جلد. منتخب حدیقه، رقم میرعلی کاتب، خط باباشاه اصفهانی، کاغذ متن سفید، حاشیه ملون، مجدول، جلد بیرون مصور، عمل هند، دور نوشته، نمره ۱۰۴، یک جلد.

منتخب حدیقه، خط نستعلیق، کاتب خوب، کاغذ آبی، حاشیه مذهب، مجدول، سرلوح دار، قطع وزیری، جلد مقوایی، تیماج، روغنی سیاه ترنج دار، نمره ۱۰۲۱، یک جلد.

دیوان مسعود سعد سلمان، خط میرزا رضا قلی، نستعلیق، کاغذ ترمه، مجدول، کمنددار، قطع وزیری، جلد تیماج آبی، کار صحافباشی، نمره ۱۰۵، یک جلد.

دیوان سهیلی، خط سلطانعلی مشهدی، کاغذ متن و حاشیه زرافشان یا شبه الوان، مجدول، سرلوح دار، مذهب، جلد مقوای سوخت تحریر دورو، نمره ۱۰۶، یک جلد.

کتاب سیر الاسرار ترکی، از شخص قراگوزلو، ترکی است، قطع وزیری، جلد مقوای تیماج سبز، کار استاد اسمعیل طلاکوب، یک جلد، نمره ۱۰۷.

دیوان شاهی [۰۰۰] جلد.

دیوان شاهی، خط سلطان محمد نور، متن کاغذ خانبالغ، حاشیه قطعه الوان، زرافشان، مجدول، سرلوح دار، جلد مقوای رو منقش مصور، عمل هند، پشت سوخت تحریر کار هند بدون رقم، یک جلد، نمره ۱۰۸.

دیوان شاهی، خط نستعلیق خوب، می گویند خط باباشاه است، متن و حاشیه، کاغذ ختایی، پشت گلی، مجدول، مصور، سرلوح دار، پشت ورق اول ترنج مرصع دار، جلد مقوای تیماج قرمز، بغل دار آبی، یک جلد، نمره ۱۱۶۳۲.

دیوان امیر شاهی، خط [۰۰۰] خوشنویس، متن و حاشیه مذهب، مجدول، سرلوح دار، جلد مقوای تیماج، مستعمل ترنج دار که در اول دو مجلس تصویر دارد، یک جلد، نمره ۱۰۹، اوراق و بدون تصویر تحویل شده است.

دیوان شاهی، خط نستعلیق، رقم احمد الحسینی، کاغذ سمرقندی، قطعه، متن و حاشیه الوان، زرافشان، مجدول، کمند و سرلوح دار، قطع وزیری بزرگ، جلد سوخت تحریر دورو طلائی، یک جلد بدون جلد تحویل شده. نمره ۱۱۰۷۳، [۰۰۰] ورق.

دیوان شاهی، خط نستعلیق، بدون رقم، قطع وزیری، کاغذ متن و حاشیه، متن سفید، حاشیه الوان، حاشیه سازی شده، جلد تیماج آبی، کار صحافباشی، یک جلد.

این یک جلد دیوان شاهی از کتبی است که تحویل میرزا مهدی خان و میرزا سید رضا خان شده و از جمله باقی مشارالیهما محسوب است.

دیوان شاپور، خط نستعلیق خوب، کاغذ ترمه، مجدول، سرلوح دار، جلد ساغری سیاه، ترنج و گوشه، روکش، قطع وزیری، نمره ۱۲۱۵۴ انتقالی از قونسولخانه، این است متروکات کریانس.

دیوان شاه نعمت الله، خط نستعلیق خوب، کاغذ دولت آبادی، مجدول، سرلوح دار، قطع نیم ورقی کوچک، جلد مقوای ساغری سیاه، ترنج و نیم ترنج دار، نمره ۱۱۰، یک جلد.

[ توضیح: ] از اطاق اسناد به دست آمده نمره ۱۲۴۵۰؛ دیوان شاه نعمت الله که تحت نمره ۱۱۰ جزو باقی محروم لسان الدوله قلمداد شده در تاریخ ذیل که اطاق اسناد را مرتب نمودیم، این کتاب یافت شد و به اداره آورده، بعد از مراجعه مرتب معلوم گردید از جزو باقی لسان الدوله خارج و به ابواب جمعی کتابخانه مقرر داشته، علی هذا تحت نمره ۱۲۴۵۰ تحولات کتابخانه ثبت و با اطلاع کمیسیون تفکیک در نهایت یکراست به کتابخانه سلطنتی منتقل گردیده. ضبط و گذارده شد به تاریخ ۱۳۱۴/۶/۲۵ قانع بصیر.



دیوان شاه خطایی، از شاه اسمعیل صفوی - انارالله برهانه - است، خط نستعلیق نورالدین محمد اصفهانی، کاغذ متن خانبالغ اعلی، زرافشان، حاشیه قطعه زرافشان، مجدول، سرلوح دار، قطع وزیری، جلد مقوایی،

رو مصور به شکل جنگ‌های مشارالیه و پشت مذهب، موی سبز، نمره ۱۷۰۶۱ یک جلد.

شهنشاهنامه، جلد اول، خط کاتب، کاغذ فستقی، مجدول، سرلوح دار، کمنددار، جلد مقوای روغنی، بوم طلایی، زر و ترنج و حاشیه نقاشی نمره ۱۱۱، یک جلد.

منتخب شهنشاهنامه، خط نستعلیق محمد بروجردی، کاغذ ترمه قطعه، مجدول، مذهب، کمند و سرلوح دار، قطع وزیری، جلد مقوای ساغری سیاه تحریردار، یک جلد، نمره ۱۱۲.

خداوندنامه فتحعلی خان ملک الشعراء، کاغذ ترمه، مجدول، سرلوح دار، جلد مقوایی، تیماج ترنج دار، قطع وزیری بزرگ، یک جلد، نمره ۱۱۳.

### سند ۷

لسان التنزیل، در بیان لغات قرآن، خط خوش نویسی، کاغذ اصفهانی، قطع رقعی کوچک، جلد تیماج زرد بغدادی مستعمل، یک جلد، سید رضاخان.

ترجمان ترکی و عربی و فارسی، قطع وزیری کوچک، کاغذ فرنگی، خط نسخ و نستعلیق، مجدول، کمند و سرلوح دار، سرحکایت مرصع، جلد مقوای تیماج قرمز بغدادی، ترنج و نیم ترنج، روکش طلا، یک جلد. مزر اللغه [کذا]، خط نسخ، جلد مقوای تیماج قرمز، ترنج دار لولادار، قطع رقعی کوچک، یک جلد، سید رضاخان. کتب خطی در منطق دو جلد:

شرح مطالع موسوم به سمعة الاسرار، خط شکسته وسط، کاغذ اصفهانی شکری، آخر افتاده، قطع وزیری، جلد مقوایی تیماج قرمز مستعمل، یک جلد، سید رضاخان.

حاشیه میر بر شرح مطالع، خط نسخ کاتب، جلد تیماج سبز یک لایی، قطع وزیری، [کوچک]، یک جلد سید رضاخان. حاشیه میر سید شریف بر شرح مطالع، خط نسخ خوش نویسی، جلد مقوای ابری، قطع وزیری، یک جلد، سید رضاخان. ایساغوجی، خط شکسته کاتب بد، کاغذ اصفهانی، قطع وزیری، جلد مقوای تیماج آبی، کار صحافباشی، یک جلد. کبری، خط نسخ کاتب، کاغذ اصفهانی، قطع کوچک، جلد تیماج قرمز دو لایی یک جلد. بحرالمعارف، ملا عبدالصمد همدانی، خط نسخ خوش نویسی، کاغذ اصفهانی، قطع رقعی، جلد تیماج، یک لایی سجاف دار، یک جلد، سید رضاخان.

رسالة ملا عبدالصمد در منطق، وزیری، خط خوش نویسی بی محشی، کاغذ دولت آبادی، اول افتاده، جلد تیماج سبز سجاف قرمزدار، یک جلد.

کتب خطی در معانی بیان، دو جلد.

رسالة بدیع فارسی، تألیف محمد ابراهیم نواب طهرانی که به جهت حاجی میرزا آقاسی نوشته، کاغذ ترمه، خط نسخ، مجدول، کمند و سرلوح دار، وزیری کوچک، جلد مقوایی تیماج قرمز، ترنج و کنج، سوخت تحریر لولادار، یک جلد، سید رضاخان.

رساله در علم بدیع، خط شکسته نستعلیق، مجدول، کمنددار، جانمازی (کذا)، جلد تیماج قرمز یک لایی، یک جلد. کتب خطی در مراثی.

تذکره الذاکرین، ملا صادق خویی، خط نسخ کاتب، جلد مقوایی تیماج سیاه، قطع ربعی، یک جلد.

مفاتیح الکنوز، مجدول، کمند و سرلوح دار، قطع وزیری، جلد تیماج سبز یک لایی، سجاف دار، یک جلد. اکثر العبارات، خط نسخ، قطع ربعی، جلد تیماج قرمز یک لایی، یک جلد، سید رضاخان.

مرقع خطوط و تصویرات کار چین و سیاه قلم و همگی بعد سوای آنچه نمره گذارده شده است شمرده شد [؟].